

نیما احمدپور، عده بی‌شماری از مزدوران و دولتمردان رژیم شاه پیش از آنکه دچار خشم انقلابی مردم شوند، از کشور به دامان اربابان خود گریختند. اما غلامرضا نیکپی، یختی‌نیک‌دانش‌ت و پیش از آنکه موفق به این کار بشود، در هواپیما و همراهِ ۱۷۰ میلیون تومان پول دستگیر شد!



سند اول



سند دوم



سند سوم



سند چهارم



سند پنجم



سند ششم

در نقل و نقد احوال تاریخ و تاریخ‌سازان معاصر

تاریخ



نامه‌های غلامرضا نیک‌پی و **واپسین شهردار تهران در دوره پهلوی از زندان شه فرموده!**

تکذیب‌هایی که شنیده‌نشد!

نیما احمدپور

نهضت اسلامی ملت ایران و گسترش امواج عظیم انقلاب، پایه‌های حکومت ستم‌شاهی لرزیدن و فرور یختن را آغاز کردند. این رژیم فاسد و عوام‌فریب برای خلاصی از توفان

گسترده خشم مردم و به تصور فرو نشاندن امواج انقلاب، در طرحی ناشیانه، شروع به دستگیری مهره‌های سوخته خود کرد و دولتمردانی را که مردم از آنان متنفر بودند، سپر بلاي خود کرد. یکی از این افراد غلامرضانیک‌پی، شهردار سابق تهران بود. در اسناد اداره کل نگار سلواک آمده است: «از لحاظ صحت عمل و درستی، هنگام خدمت در سمت شهردار پایتخت، شایعاتی به میزان وسیع دایر بر نادرستی و زرد و بندوی در افواه وجود داشته که با توجه به شواهد و قرائن می تواند صحت داشته باشد. فردی زرنگ و فعال و قاطع و صریح‌اللجه ولی بددهن و فحاش و عجول و دهن‌بین و پرمدعا و از خود راضی و سازشکار است.» (۱)

عده بی‌شماری از مزدوران و دولتمردان رژیم شاه پیش از آنکه دچار خشم انقلابی مردم شوند، از کشور به دامان اربابان خود گریختند، اما غلامرضا نیک‌پی، یختی‌نیک‌دانش‌ت و پیش از آنکه موفق به این کار بشود، در هواپیما و همراه ۱۷ میلیون تومان پول دستگیر شد! این اقدامات، ماه‌مورد تخطئه رهبران روحانی انقلاب قرار گرفت. شهیدفتح طی سخنرانی در مسجد قبا، ماهیت عوام‌فریبانه این حرکت رژیم را تشریح و بر ضرورت ادامه مبارزه تا سرنگونی این حکومت فریبکار، تأکید کرد و گفت: «تا حکومت اسلامی نباشد نمی‌تواند بافساد مبارزه کرد. این همه که در روزنامه‌ها دم از مبارزه با فساد می‌زند چه کاری توانست‌اند تاکنون انجام بدهند و می‌بینید که شهردار قبلی (نیک‌پی) آ را با ۱۷ میلیون از هواپیما دستگیر می‌کنند و با توجه به قانون از کجا آورده‌ای با کمال تعجب می‌بینیم که او را استاور می‌کنند.» (۲)

در پی این سیاست سراپا فریب، در تاریخ ۵۷/۸/۱۷ هویدا نخست‌وزیر توکرمام شاه که ۱۳ سال تمام در خدمت وی بود، دستگیر شد. دو روز بعد هم منزل غلامرضانیک‌پی، شناسایی و سرکوبی آن تهیه شد. سرانجام وی را در روز ۵۷/۸/۲۱ دستگیر و به جمشیدیه منتقل کردند. نیک‌پی یک هفته پس از دستگیری، تصمیم گرفت ثروتش را توسط همسر و فرزندانش به خارج بفرستد و خود نیز پس از آزادی از زندان نزد آنها برود، به همین دلیل نامه زیر را برای فرماندار نظامی تهران نوشت: «چون وضع روحی روانی اطفال صغیر من… خوب نیست، قصد دارم آنها را به اتفاق خانم صدیقه نیک‌پی، عیالم به خارج اعزام دارم، بنابراین خواهشمند است موافقت فرمایید اوراق مربوطه به اخذ گذرنامه را امضا و به شهرتانی ارسال دارم. همچنین برای اینکه خانم نیک‌پی بتوانند از حساب جاری اینجناب چک بکشند و هزینه‌های جاری را تأمین کنند، ورقه مربوط به بانک را امضا و کالت به ایشان بدهم.» (۶)

سپهدر رحیمی لاریجانی در پاسخ نوشت: «چنانچه همسر و فرزندانشان ممنوع‌الخروج نباشند، در صورت تصویب امضا برگ چاپی اجازه خروج به همسر و فرزندانشان بلامانع باشد، لکن اجازه برداشت وجه از حساب جاری و همچنین دادن و کالتنامه کلی به همسرشان تا رسیدگی به پرونده آنها می‌ایشان و… صحیح به نظر نمی‌رسد.»

پس از اعلام این نظر در ذیل نامه نوشته شد: «به همین ترتیب که نظر داده‌اند به حضور جناب نخست‌وزیر گزارش شود.» (۷)

روزنامه دنیا در پی افشای اسنادی در باره فساد درباریان و عناصر وابسته به دربار، در تاریخ ۵۷/۹/۱۲ اسامی افرادی را که از کشور از خارج کرده بودند، از جمله غلامرضانیک‌پی را منتشر کرد. پس از انتشار این فهرست، وی این مسئله را تکذیب کرد (۸) و دو روز بعد در نامه‌ای از تشدید اوبوسی ـ فرماندار نظامی تهران ـ خواست که به احترام سوابق دوستی با وی او را بپذیرد که حتی یک دلار هم از کشور خارج نکرده و تقاضا دارد او را آزاد کنند تا به زن و فرزندان رسیدگی و خیریه پدرش را اداره کند.

در این نامه آمده است: «ملاحظه فرمودند.» (۹)

نیک‌پی بار دیگر نامه‌ای به اوبوسی نوشت و در آن به بیماری قلبی از سال ۱۳۳۸، بالا بودن اسید اوریک و تری گلیسرید اشاره و درخواست معالجه کرد (۱۰) تا راهی برای نجات خود پیدا کند. در پی این نامه، تحت معاینه قرار گرفت. در گزارش پزشکی آمده است: «از نظر قلبی مبتلایه آرتیمی اکستر استول و از نظر چشمی مبتلایه عروقی است.» و قرار شد در صورت ضرورت بستری شود. (۱۱)

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و سخت شدن شرایط برای مزدوران رژیم، همسر نیک‌پی و فرزندانش به خارج رفتند. نیک‌پی در خواستی برای اوبوسی فرستاد و از خواست از آن پس خواهر همسرش به ملاقات او بویاید. (۱۲)
خانم بریچه‌ر پوستی (خوشدل‌راه) نیز از اوبوسی درخواست کرد که خواهرش، خانم فردوس پوستی (نور چشمه) هم بتواند با نیک‌پی ملاقات کند. در ذیل این درخواست نوشته شد: «فعلاً مقدور نیست.» (۱۳) سرانجام شاه به آخرین ترغند خود متوسل شد و با سپور بختیار را به نخست‌وزیری برگزید. نیک‌پی نامه‌ای به نخست‌وزیر نوشت و به مصونیت خود و بر خورده‌های غیرقانونی فرمانداری نظامی اشاره کرد و نوشت: «با توجه به دلایل فوق‌الاشعار خصوصاً اینکه جنابعالی خود از خاندان برجسته و از حقوق‌دانان دنیاوی بی‌طرف هستید و دولت قبلی که دستور غیرقانونی بازداشت مرا صادر کرده، تغییر کرده است، بنابراین استدعا دارم مقرر فرمایند مرا آزاد کنند تا بتوانم در جریان مذاکرات مجلس سنا هنگام طرح برنامه دولت جنابعالی شرکت و به وظایف قانونی خود قیام و اقدام کنم.» (۱۴)

رونوشت این نامه برای محمد سجادی، رئیس مجلس سنا هم فرستاده شد. نیک‌پی دو روز بعد تلگرافی برای سجادی فرستاد و اعلام کرد که بازداشت او غیرقانونی است و تقاضا دارد که آزاد شود. (۱۵)
فردای آن روز خواهر همسرش توکیت با او ملاقات کند. (۱۶)
شاپور بختیار به نیک‌پی پاسخخی نداد و لذا او نامه شدیداللمحنی برای نخست‌وزیر نوشت: «لکنون معلوم شد جنابعالی هم مثل دیگران هیچ هدفی جز رسیدن به مسند نخست‌وزیری نداشته‌اید و هیچ احترامی برای قانون اساسی ندارید.»

وی بار دیگر به غیرقانونی بودن بازداشت خود اعتراض کرد و نوشت: «باز هم استدعا دارد به لحاظ افکار عمومی بین‌المللی هم که شده دستور قاطع صادر فرمایید.» (۱۷)

غلامرضانیک‌پی تا روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در زندان بود و باز شدن در زندان‌ها همراهِ دیگران قرار کرد، اما نیروهای انقلاب اسلامی دستگیرش کردند و محاکمه و به اعدام محکوم شد. آنچه در پی می‌آید پاراهای از نامه‌های نیک‌پی از زندان به مقامات مربوطه است که نمایانگر اوج استیصال و البته دروغ‌بافی نامبرده از یک سو و بی‌اعتنایی اربابانی است که عمری مخدوم وی بوده‌اند.

نامه اول

از: دژ-مر-رکن ۱-قوانین تاریخ: ۱۳۵۷/۸/۲۳

به: تیمسار فرماندهی نظامی تهران و حومه شماره: ۲۹۰۴۰۱/۶۰/۱

مقام عالی را آگاه می‌سازم:

نامبرده بالا در ساعت ۱۰۲۵ مورخه ۱۳۵۷/۸/۲۱ توسط کمیته فرمانداری نظامی تهران به زندان دژ-مر معرفی و بازداشت گردید. ف دژ-مر-سر-تیمسار احمد غفاری

نامه دوم

ریاست محترم بازداشتگاه جمشیدیه

در سه روز است اینجناب احساس نگرانی زیاد و ناراحتی قلب می‌کنم و مصرف قرص‌های مسکن هم مفید نبوده‌است و موجب ترس و وحشت شدید در شب شده خواهم را مختل ساخته‌است. اینجناب از مدت‌ها قبل کراراً دچار وضع مشابه شده که موجب شد در سال ۴۸ نیمه شب در بیمارستان نفت بستری گردم و از آن پس نزد دکتر استبانیان متخصص قلب تحت نظارت پسرودم آقایان دکتر کاظمی و اطباء بیمارستان نفت هم اینجناب را تحت نظر داشته‌اند و برنده قطوری در آن بیمارستان دارم. ساینس‌گزار می‌شوم اگر مورد معاینه متخصص قلب ارتش شاهنشاهی قرار گیرم.

با تجدید احترام قلبی دکتر غلامرضانیک‌پی

در ساعت ۱۲۱۰ روز ۵۷/۹/۱۲ گزارش فوق در تلفن برای سرکار سرهنگ دکتر اردلان قرائت شد که از طریق بهداری دژ-م پزشک متخصص قلب دعوت گردد که در بازداشتگاه آقای نیک‌پی را عیادت نماید.

سرهنگ ۲ ستاد حسن زاده، ۵۷/۹/۱۳

نامه سوم

حکومت نظامی تهران و حومه

چون وضع روحی روانی اطفال صغیر من علیرضاه سه‌ساله و امیررضا ۷



در کنار فرح پهلوی در بازدید از یکی از پروژه‌های شهرداری تهران



در گفت‌وگو با شاپور غلامرضا پهلوی



بهمن ۱۳۵۷-پس از دستگیری

خوب نیست قصد دارم آنها را به اتفاق خانم صدیقه نیک‌پی عیالم به خارج اعزام دارم لذا خواهشمند است موافقت فرمایید اوراق مربوطه به اخذ گذرنامه را امضا و به شهرتانی ارسال دارم. همچنین برای اینکه خانم نیک‌پی… از حساب جاری چک بکشند و هزینه‌های مادی را تأمین کنند ورقه مربوط به بانک را امضا و کالت به ایشان بدهم توضیحا اضافه می‌نمایم در حساب جاری اینجناب مبلغی جزئی… است ولی چون مستغلات مرحوم پدرم در اصفهان است و درآمد آنها به این حساب واریز و توسط اینجناب به ۱۲ سهم تقسیم و بین وراث دیگر عزیزالله اعزانیکیی تقسیم می‌شود زندگی عده‌ای بستگی به حمایت اینجناب دارد لذا امضا و کالتنامه ضروری است.

با تجدید احترام غلامرضانیک‌پی ۵۷/۸/۲۹

ضمناً چند روز قبل یک و کالت‌نامه کلی توسط دفتر اسناد رسمی شناسنامه تهران تنظیم شده تا دیگر اشتباهی… نباشد استدعا دارم از امر…امضا کنم.

نامه چهارم

جریده شریفه دنیا (خیابان اسلامول – پاساژ فرح)

در روزنامه دنیا مورخ ۱۲ آذر ۵۷ صورتی از قول جامعه کارکنان بانک مرکزی ایران منتشر شده است دائر بر صدور ارز توسط عده‌ای از کشور که از آن جمله نام اینجناب در طول بیست و یک سال گذشته که مصدر ضربات (۳) بوده‌ام جز مبالغ بسیار جزئی در مسافرت‌ها (هر بار حد یک هزار دلار) دیناری ارز به نام خود، زن یا فرزندانم از کشور خارج نکرده‌ام و اصولاً دارای من مشخص و معین است که از مرحوم پدرم و مادرم به من به ارث رسیده، چه مبالغتی حقوق دریافت داشته‌ام. چه (۳) دینار آخر متمنی است به رعایت قانون مطبوعات و بی‌طرفی نسبت به درج این مطلب اقدام فرمایمید.

با احترام دکتر غلامرضانیک‌پی

رونوشت جناب آقای… ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

و تجدید احترام آقای دکتر نجفی وزیر دادگستری

با تجدید احترام دکتر غلامرضانیک‌پی ۵۷ آذر ۱۳

نامه پنجم

مقام فرمانداری نظامی تهران و حومه

در سال ۱۳۳۸ بعد از تهیه شب قلب اینجناب دچار ناراحتی شدید شد که با آمیولاس به بیمارستان شرکت ملی نفت ایران برده شدم و چندروز تحت درمان قرار گرفتم. از آن زمان به بعد گاه‌گاهی ناراحتی علرض می‌شود و تحت نظر آقای دکتر استبانیان متخصص قلب بررسی‌های لازم انجام و آزمایش‌ها و معاینات صورت می‌گیرد در موقع معمولی این توسط آقای دکتر فرزا کاظمی دکتر شرکت نفت انجام می‌شد. اکنون چند روز است اینجناب مجدداً عارض شده، از این گذشته اسید اوریک و تری گلیسرید من هم بالاست و اطبایی زیر مر مازظف ۱۸ ماه‌اخیر معاینه فرموده‌اند. دکتر کاظمی، دکتر منادی، دکتر بزدی، دکتر مار تروسیان، دکتر لشکر، دکتر تهرانی، دکتر فریب و از بازداشتگاه دکتر تیمسار سرلشکر خرمی، دکتر سرهنگ کاظمی، دکتر سرهنگ گل… و دکتر سرهنگ اصباح چشم چپ من نیز در شرف تار شدن است که تصور می‌کنم همه به هم مرتبط باشند لذا ساینس‌گزار هستم در صورت امکان پزشکان متخصص قلب اینجناب را معاینه فرمایند.

با تجدید احترام غلامرضانیک‌پی ۵۷/۹/۱۴

مقرر فرمودند تیمسار-سر تپت یوسفپور احضار شود.

تلغنی به بدیلمه وظیفه ده‌باشی امر به سرکار سرهنگ حسن‌زاده گفته شد. ۱۳۵۷/۹/۱۴

جناب سرهنگ شاملوبلاغ نموده‌اند. ۵۷/۹/۱۹

نامه ششم

تلگراف تهران

جناب آقای دکتر محمد سجادی ریاست مجلس سنا پیرو نامه مورخ یازدهم دی‌ماه عنوان جناب آقای نخست‌وزیر رونوشت جنابعالی اکنون که حکومت نظامی تیمساران از هاری، اوبوسی، رحیمی لاریجانی متوجه شده به استحضار می‌رسانم: روز بیست و یکم آبان‌ماه اینجناب را در حالی که سناتور و از مسئولیت پارلمانی بر خوردار بوده‌ایم به اسناد ماهه پنج حکومت نظامی بازداشت کرده بروز استغفانه اخذ و به مجلس سنا تسلیم داشته‌اند در حالی که متعاقب تاریخ این استغفای اجباری اینجناب در جلسات عدیده کمیسیون‌های سنا و مراسم عید غدیر شرکت داشته‌ام و هنگام بازداشت مراتب را تلفنی به جنابعالی و تیمسار رحیمی (مهدی) فرماندار نظامی فعلی تهران که امری با شرافت هستید اعلام، جنابعالی فرمودید من به مقررات حکومت نظامی آشنایی ندارم استغفانمه اجباری اینجناب روی کاغذ و با قلم خودنویس و جوهر تیمسار لاریجانی که قطعاً مشایبه آن در پرونده‌های حکومت نظامی فراوان است تحریر رفته و هرگز تشریفات قانونی لازم را در مجلس سنا طی ننموده استغفا باید از آن‌انه نوشته تقدیم سنا و طبع و توزیع و در جلسه علنی قرائت شود و از تاریخ قرائت، سناتور بازده روز وقت دارد؛ از آدانه مسترد دارد. اینجناب که از زندان نمی‌توانستم از تاریخ قرائت اگر اصلا در جلسه علنی قرائت شده است مسترد دارم و اصولاً نمی‌دانم نامه‌هایی که از زندان ارسال داشته‌ام رسیده یا نه این مطالب را جناب سناتور جلالی نائینی با شاهنامت در جلسه سیزدهم آذر خنجام طرح برنامه دولت تیمسار از هاری بیان داشتند از رادیو تلویزیون و جراید بحث شد خواهشمندم دستور فرمایید فوری مرا آزاد کنند که بتوانم در جلسات سنا شرکت و به وظایف قانونی خود قیام و اقدام نمایم. هر آینه تا چهل و هشت ساعت دیگر از دانشم موضوع را ناچار به شرف عرض می‌نمایم معروض و با کسب اجازه در دادگستری و جراید ایران و خارج سازمان ملل متحد و مجالس مقننه کشورهای آزاد دنبال می‌کنم.

سناتور دکتر غلامرضانیک‌پی از بازداشتگاه جمشیدیه امضا غلامرضا نیک‌پی رونوشت (۱) جناب آقای نخست‌وزیر (۲) جناب آقای وزیر دادگستری (۳) تیمسار سپهبد مهدی رحیمی حاکم نظامی تهران و حومه (۴) جناب آقای رئیس مجلس شورای ملی (۵) کمیسیون دادگستری سنا (۶) جناب آقای محمدمعلی هدایتی وکیل پایه یک دادگستری و وزیر اسبق دادگستری از طریق کانون وکلای دادگستری استدعای تعقیب موضوع را پس از ۴۸ ساعت در دادگاه دار.

امضا غلامرضانیک‌پی

۵۷/۱۰/۱۷

پی‌نوشت‌ها در سرویس تاریخ موجود است



آیت‌الله سید محمدصادق لوسانی در کنار امام خمینی در دوره طلبگی

نظری بر اثر نو انتشار «آیت‌الله سیدمحمدصادق لوسانی به روایت اسناد»

همگام دیرین امام

محمدباقر نودزی

بی‌تردید انقلاب اسلامی ایران بزرگ‌ترین رویداد یکصد ساله اخیر ایران و منطقه است که بازتاب بسیار وسیعی در سطح بین‌الملل داشته‌است. بنابراین برای شناخت این انقلاب در کنار زیرساخت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که هر کدام در جای خود بااهمیت و

تأثیر گذارند، شناخت دقیق اندیشه‌های قانده و رهبر انقلاب حائز اهمیت والاّیی است و این شناخت حاصل نخواهد شد مگر با مطالعه دقیق آرا و اندیشه‌ها و بررسی فعالیت‌های ایشان در طول حیات مبارکشان. بخش اول را می‌توان با مطالعه کتب امام (ره) و سخنرانی‌هایی که ایشان در طول حیاتشان انجام داده‌اند، به دست آورد، اما برای بخش دوم که زندگی و سیره ایشان است باید از عوامل دیگری بهره جست که یکی از بهترین و دقیق ترین آنها خاطرات کسانی است که در طول حیات با ایشان ارتباط نزدیکی داشته‌اند. خوشبختانه در مورد ایشان به خاطر فاصله زمانی نزدیک و مرجعیت دینی معظم‌له افراد زیادی بوده هستند که با ایشان ارتباط داشتند و می‌توان از مشاهدات و خاطرات آنها نهایت استفاده را در شناخت وی و انقلاب اسلامی ایران برد. در تاریخ انقلاب اسلامی در کنار امام خمینی(ره)، رهبر کبیر این خیزش عظیم چهره‌ها و شخصیت‌هایی نیز حضور داشته‌اند که هر یک به فراخور مقام و موقعیت خود نقش مؤثری را ایفا کرده‌اند. در بین نزدیکان و دوستان قدیم رهبر کبیر انقلاب اسلامی، مرحوم آیت‌الله سیدمحمدصادق لوسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سابقه دوستی وی با حضرت امام(ره) به دوران تحصیل ایشان در حوزه علمیه قم بازمی‌گردد. این دوستی و صمیمیت در سال‌های بعد و به ویژه ایام نهضت اسلامی تداوم یافت و با تعیین شدن وی به وکالت تام‌الاختیار حضرت امام(ره) جایگاه مهمی پیدا کرد.

آیت‌الله لوسانی در مراحل مختلف نهضت اسلامی از همراهان و همگامان آن حضرت بود. مکاتبات، مرادات و مذاکرات متعددی از وی در اسناد ساواک و منابع و خاطرات گزارش شده است. حضرت امام(ره) احترام خاص و ویژه‌ای برای ایشان قائل بودند و شاهد آن نامه‌هایی است که خطاب به فرزند خود، مرحوم حاج سیداحمد خمینی از نجف می‌نگاشتند و وی را مأمور ملاقات و



سال‌هایی برمی‌گشت که در قم هم حجره بودند و تحصیل می‌کردند. آیت‌الله لوسانی در تمام سال‌های مبارزه و تبعید امام، وظیفه و مسئولیت خطیر جمع‌آوری و ارسال وجوهات شرعی را برای ایشان بر عهده داشت و نماینده تام‌الاختیار امام در این زمینه بود. لوسانی به‌رغم مخاطرات و مشکلات بسیار در این راه که به چندین بار دستگیری و سه سال زندانی شدن وی انجامید، هرگز به خود تردید، راه‌ندان و همواره به صداقت و طیب خاطر و به بهترین وجه رابط این وظیفه را انجام داد و تا آخر عمر از نزدیکان و محارم امام بود. چنین رابطه نزدیک بین امام(ره) و لوسانی بی‌شک ضرورت مطالعه فعالیت‌های سیاسی ایشان را بیشتر می‌کند، زیرا می‌تواند زوایای مهمی از انقلاب اسلامی را روشن سازد. اهمیت این موضوع ایجاب می‌کند تا در مورد ایشان کتابی به صورت مستقل تألیف شود. مجموعه حاضر که با مساعدت و توجه مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهیه شده، اقدامی است در جهت تحقق این خواسته که در دو بخش گردآوری و تدوین شده است:

بخش نخست شامل مدخل پژوهشی درباره زندگی و مبارزات آیت‌الله لوسانی است که در آن به‌اختصار تلاش شده است تا مقطع زمانی دوره کودکی تا هنگام فوت ایشان در سال ۱۳۶۹ش مورد بررسی و مذاقه قرار بگیرد. این بخش بنا به اهمیت موضوعات، به چند فصل تقسیم شده است: در فصل اول دوران کودکی و نوجوانی آیت‌الله لوسانی با وجود کمیود منابع و قلت اطلاعات بررسی شده است. فصل دوم با آغاز نهضت امام خمینی در دهه ۴۰ شروع می‌شود. در این دهه سرنوشت‌ساز و مهم لوسانی نماینده تام‌الاختیار امام خمینی معرفی می‌شود و در بسیاری از حوادث مهم این دهه حضور می‌یابد. در فصل سوم با تکیه بر اسناد ساواک و منابع معتبر، اهم فعالیت‌های آیت‌الله لوسانی بعد از تبعید امام به ترکیه تا پایان دهه ۴۰ بررسی می‌شود. در فصل چهارم فعالیت‌های آیت‌الله لوسانی در دهه ۵۰ و تا پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این دهه آیت‌الله لوسانی دو بار دستگیر می‌شود که دستگیری دوم به تبعید سه ساله ایشان به هشترپگیلان منجر می‌شود. فصل آخر از پیروزی انقلاب تا فوت آیت‌الله لوسانی را شامل می‌شود. در این فاصله زمانی به خاطر کهنوت سن و عدم فعالیت سیاسی، ایشان چندان در صحنه حضور نداشت و به همین خاطر این فصل به اختصار آورده شده است.

بخش دوم این اثر اسناد ساواک و شهرتانی موجود در «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» است که به کتاب ضمیمه شده‌اند. نکته‌رند بر این باور است که این اثر هرگز نمی‌توانند بیان‌کننده همه جوانب زندگی آیت‌الله لوسانی باشد. با وجود این امیدوار است بتواند گوشه‌ای از نقش قابل تحسین ایشان را در جریان انقلاب اسلامی باز گو کند. در فرجام از تمام کسانی که در تهیه و تدوین این اثر نگرانه‌ها را باری کرده‌اند کمال تشکر و قدردانی را می‌کنم.